

## مریم رجوی: حیات ۵۵ ساله مجاهدین با رنج‌های مردم ایران و خواستشان برای آزادی و عدالت عجیب است

سخنرانی در مراسم آغاز پنجاه و ششمین سال تاسیس سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۵ شهریور ۱۳۹۹

هموطنان،

خانواده‌های شهیدان و زندانیان سیاسی،

هواداران و حامیان مجاهدین،

سازمان مجاهدین خلق ایران، شکوفه پایداری مردم ایران در برابر شاه و شیخ، و امید مجسم تاریخ فردا، پنجاه و ششمین سال حیات خود را آغاز می‌کند. بر همه شما فرخنده و مبارک!

شاه با ساواک جهنمی، و حمایت قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها و رویای تمدن بزرگش سرانجام بر اثر قیام مردم ایران برافتاد.

شیخ هم با سپاه پاسدارانش، با وجود قتل‌عام و سرکوب‌ضدبشری و با رویای خلافت اسلامی‌اش به دست مردم و مقاومت ایران، به دست ارتش بزرگ آزادی، سرنگون می‌شود.

آنچه سرفراز و استوار ایستاده و خواهد ایستاد مقاومت آزادی‌ستان مردم ایران و در کانون آن سازمان مجاهدین خلق ایران است.

به‌بنیان‌گذاران کبیر محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و اصغر بدیع‌زادگان که ابتکار این راهگشایی تاریخی را برعهده داشتند، درود

و خوشا مسعود رجوی که این سازمان را زیر ضربات منهدم‌کننده دو دیکتاتوری احیا و شکوفا کرد و در مسیر مبارزه با ارتجاع آخوندی به اوج رساند. از انحراف و اپورتونیسیم و شبیخون‌های استعماری مصون نگه‌داشت و آن را در کانون و محور یک آلترناتیو دموکراتیک قرار داد.

هم‌چنین این سازمان را به حد یک ارتش آزادیبخش که در چهارمین مؤسسان آن هستیم ارتقاء داد.

## از حنیف بنیانگذار تا مسعود

وقتی که ما از حنیف تا مسعود رجوی از سازمان و ارتش و آلترناتیو صحبت می‌کنیم، این بازی با کلمات نیست. انشانویسی از راه دور نیست. قیمت واقعی را تک تک شما می‌دانید و سال‌ها آزموده‌اید و باید به نسل قیام منتقل کنید. آخر سازمان و ارتش و آلترناتیو، آلترناتیو واقعاً دموکراتیک و میهنی، همان مثلث کمبودهای پایه‌یی هستند که مردم در مبارزاتشان از مشروطه به این طرف، به‌رغم همه جانفشانی‌ها، از فقدان آن‌ها، رنج برده‌اند و قیمت بسیار سنگین داده‌اند.

زیرا وقتی سازمان ذیصلاح و تشکیلات رهبری‌کننده وجود نداشته باشد، هیچ تغییر و تحول بنیادین و پایه‌یی در کار نخواهد بود. مردم مانند مشروطه قیام می‌کنند و مشروطه را به سلطنت مطلقه تحمیل می‌کنند اما تضمینی ندارد. هیچ مبارزه حرفه‌یی و تمام عیاری بدون سازمان حرفه‌یی متصور نیست. این از نخستین درس‌های حنیف به مجاهدین در آن روزگار بود. در انقلاب ضدسلطنتی هم جای سازمان رهبری‌کننده خالی بود. سازمان مجاهدین را اپورتونیست‌های چپ‌نما متلاشی کرده بودند. شاه هم بنیانگذاران سازمان را اعدام کرده بود.

همین امروز هم می‌بینیم که رژیم به هزار زبان می‌گوید که صورت مسأله، تشکیلات مجاهدین است که باید آن را برای بقای رژیم از صحنه پاک و محو کرد و سرش را از بدن جدا کرد. مزدوران رژیم همه در همین خط، کار و مسافر کشی می‌کنند!

در مورد ارتش آزادیبخش هم اگر وجود نداشته باشد همان می‌شود که بر مصدق گذشت. در این صورت نهضت ملی به‌رغم همه فداکاری‌ها در برابر کودتای ارتجاعی و استعماری بی‌دفاع باقی می‌ماند و شکست می‌خورد.

در مورد آلترناتیو دموکراتیک و مستقل هم، تجربه تاریخی ربودن و به یغما رفتن انقلاب ضد سلطنتی بسیار روشنگر است. مردم ایران ۴۲ سال است دارند تاوان آنرا می‌دهند.

بقایای شاه، طلبکار جنایت‌های رضاخان و پسرش هم هستند و می‌گویند مشکل در این است که چرا انقلاب کردید؟ و چرا قدر دیکتاتوری وابسته را ندانستید؟

ما می‌گوییم انقلاب، ضرورت پیشرفت و دیالکتیک تکامل است. مشکل در انقلاب نیست، و نبود. مشکل در آلترناتیو بود. مشکل در رهبری انقلاب بود و نه در انقلاب. این نخستین درسی بود که ما از انقلاب ضد سلطنتی گرفتیم و مسعود رجوی آن را بالغ و تئوریزه کرد و راه حل آن را هم در شورای ملی مقاومت به‌عنوان تنها جایگزین دموکرات و مستقل به مردم ایران ارائه داد.

دوباره برمی‌گردم به درس روز اول از ۵۵ سال پیش در زمان حنیف بنیانگذار یعنی درس سازمان و تشکیلات. اگر این سازمان می‌خواهد در جامعه انقلاب کند لاجرم باید خودش تئوری و ایدئولوژی انقلابی داشته باشد. باید مسولیت و رنج‌های انقلاب علیه شاه و شیخ را به دوش بکشد.

رزم بی‌امان با فدای بیکران تاریخچه ۵۵ سال گذشته است با ۷ دریای خون و سلسله‌یی از هفت‌خان‌های رستم با سختی و صعوبت و مشقت بسیار که همه با آن آشنا هستیم. بله به راستی عبور از هر یک از آن‌ها، یعنی از هر ضربه و از هر توطئه البته که ظرفیت و توانمندی می‌خواهد و هوشیاری و بینش سیاسی و اجتماعی و تاریخی. این‌جاست که نیازمند آرمان و ایدئولوژی می‌شویم والا این راه را هرگز نمی‌توان طی کرد. همان که امام حسین گفت عقیده و جهاد. آخر مجاهد بدون عقیده و آرمان وجود ندارد. شاه و شیخ و همدستان و هم‌جبهه‌ها و دنباله‌های آن‌ها به‌همین خاطر با ایدئولوژی و آرمان مجاهدین به طرزی دیوانه‌وار خصومت می‌ورزند. شاه گفت شما خرابکار و مارکسیست اسلامی هستید. خمینی گفت شما منافق و التقاطی و بدتر از کافر هستید. در فرهنگ شاه و شیخ و هم‌مسلمان آن‌ها ولو با صیغه‌های غلیظ چپ‌نمایانه، از نوع سوسیال بورژوازی، شما حق ندارید ایدئولوژی و آرمان داشته باشید.

شما فقط حق دارید بین شیخ و شاه یا در مدارهای دور و نزدیک جاذبه آن‌ها سیر و سیاحت کنید! مخصوصاً زن مجاهد حق ندارد پوشش‌اش را خودش انتخاب کند. شیخ می‌گفت یا روسری یا تو سری، و سال‌ها قبل از او رضاخان می‌گفت: بی‌روسری یا توسری!

هر دو منطق تا بن استخوان ارتجاعی و ضد آزادیست. از نظر ما زن باید خودش انتخاب کند.

هم‌چنان که مردم باید در انتخاب دین و آیین و عقیده و مرام و مسلک خود آزاد باشند.

در مصوبات شورای ملی مقاومت در مورد جدایی دین از دولت آمده که «هیچ‌یک از شهروندان به‌دلیل اعتقاد یا عدم اعتقاد به یک دین یا مذهب در امر انتخاب شدن، انتخاب کردن، استخدام، تحصیل، قضاوت و دیگر حقوق فردی و اجتماعی مزیت یا محرومیتی نخواهد داشت».

هم‌چنان که جمهور مردم ایران اعم از زن و مرد، خودشان باید با رأی آزاد و مساوی و مستقیم حاکمیت و نظام جمهوری جدید را انتخاب کنند.

## زدودن غبار از رخ دین

از این‌روست که حیات ۵۵ ساله سازمان مجاهدین خلق و حیات ۴۰ ساله شورای ملی مقاومت با رنج‌های مردم ایران و با خواسته‌های آنان برای آزادی و عدالت و حاکمیت مردم عجین شده است.

قیام‌های ایران از دی ۹۶ تاکنون، به‌روشنی نشان می‌دهد که این قیام‌ها، صحنه اقبال اجتماعی از خط و دیدگاه مجاهدین به‌ویژه در میان نسل جوان و شورشگر و در عین حال صحنه پیشروی مجاهدین و فعالیت فزاینده کانون‌های شورشی است.

همچنان که دکتر هزارخانی گفت: در ایران یک انقلاب در حال وقوع است. و با هرنظری که داریم باید تا آن جا که می‌توانیم به سازمان مجاهدین خلق کمک کنیم که این انقلاب را سریع‌تر به نتیجه برساند.

دکتر هزارخانی به‌واقع یکی از برجسته‌ترین نویسندگان و روشنفکران معاصر ایران است که بیش از ۶۰ سال کار سیاسی و فرهنگی او برای همه شناخته شده است، درباره نقش رهبری مسعود رجوی در برابر ارتجاع مذهبی خمینی گفت: مسعود تفسیرش از اسلام را در مقابل تفسیر خمینی از اسلام گذاشت و این کار بسیار مهمی بود. تحمل مشقاتش و نتایج و پیامدهایش هم آسان نبود اما جنبش مقاومت را به جنبشی آرمانگرا تبدیل کرد که به لحاظ سیاسی می‌داند چه می‌خواهد و می‌داند چکار می‌خواهد بکند. بنظر من راز پیشروی مجاهدین در همین است در این که غبار از رخ دین زدوده است.

## خواست مردم، سرنگونی

هموطنان!

امروز در ایران فقر و اختناق و کرونا بیداد می‌کند. اختلاف طبقاتی هیچ‌گاه به این اندازه عمیق و وحشتناک نبوده است. ماشین سرکوب برای حفظ نظام منحوس ولایت فقیه یک لحظه متوقف نمی‌شود. قضایه جلادان رگبار احکام اعدام باز می‌کند.

با این همه جامعه منفعل و بی‌تفاوت نیست و طغیان می‌کند.

شورش و عصیان در سراسر ایران زمین که با خون هزاران شهید مجاهد خلق آبیاری شده، جوانه می‌زند. قیام‌ها فرا خواهند رسید.

اشرف با پایداری تاریخی‌اش و با شهیدانش در جای جای ایران در قالب کانون‌های شورشی تکثیر شده و کابوس عملیات کبیر فروغ جاویدان برای سران رژیم هر سال هراس انگیزتر می‌شود.

در یک کلام ما با یک جامعه انفجاری مواجه هستیم.

با شورشگران و قیام‌آفرینانی که در کمین و آماده خیزش هستند. جوانان، نیروی تعیین‌کننده این قیام‌اند. و جوانان شورش‌گر راه طغیان انرژی عظیم ستم‌دیدگان را می‌گشایند.

به قیام‌های آبان و دی سال ۹۸ نگاه کنید.

مردمی که به خیابان آمدند هیچ ابهامی باقی نگذاشتند که راه حل همه مشکلات خود را در سرنگونی نظام ولایت فقیه می‌دانند.

هیچ خواستی از رژیم ندارند جز اینکه سرنگون شود.

آن‌ها هیچ نگاهی به گذشته ندارند، به آینده نگاه می‌کنند و شعار می‌دهند مرگ برستمگر چه شاه باشه چه رهبر.

آن‌ها مظاهر حکومت آخوندی را هدف قرار می‌دهند. و با تمام وجود این حقیقت را لمس می‌کنند که این رژیم اصلاح ناپذیر است، و باید تماماً سرنگون شود. این را هم می‌دانند که آخوندها با زبان خوش دست از سر مردم ایران بر نمی‌دارند.

بله اینها همان خطوط و مرز بندی‌های سیاسی شورای ملی مقاومت است که از سال ۶۰ بر آن پای فشرده است. بیانگر راه و رسم دیرین مجاهدین که با خون بیش از ۱۰۰ هزار مجاهد خلق شاخص گذاری شده است.

رژیم با زندانیان قیام همان کارهایی را می‌کند که از سال ۱۳۶۰ با مجاهدین در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های مخوفش می‌کرد.

شرح شکنجه‌های نوید افکاری و برادرانش و بعد هم حکم دو بار اعدام و حبس‌های طولانی مدت، نه فقط مردم ایران بلکه وجدان بشریت معاصر را برانگیخته است.

امروز خبر این بود که رژیم، جای آن‌ها را عوض کرده است.

حرف ما و مردم ما و مردم دنیا این است که: اعدام نکنید. آزادشان کنید.

ماه گذشته انتشار عکس یک دختر و پسر خردسال، در دو طرف تصویر پدر شهیدشان مصطفی صالحی که به‌تازگی اعدام شده بود باز هم دل‌های دردمند مردم ما را در سراسر کشور آتش زد.

قضایه خامنه‌ای در هفته اول تیرماه گذشته حکم اعدام ۳ زندانی قیام را صادر کرد. اما بر اثر کارزار میلیونی «اعدام نکنید»، رژیم موقتاً مجبور به عقب نشینی شد.

پس مجاهدین سربلنداند به این که راه و رسم مجاهدت و مقاومت سراسری در ابعاد میلیونی شکوفا و تکثیر شده است.

## رژیم گرفتار در گرداب‌ها

همزمان از بیروت تا بصره و نجف و کربلا و بغداد، رژیم آخوندی به دام افتاده است. جوانان لبنان می‌گویند گلن... یعنی همگی باید بروند!

و جوانان عراق مراکز و مظاهر این رژیم پلید و مزدورانش را به آتش می‌کشند و فریاد می‌زنند رژیم ایران، باید برود.

بله، مجاهدین پنجاه و ششمین سال حیات خود را در شرایطی آغاز می‌کنند که رژیم در بن‌بست و گرداب‌های سیاسی و اقتصادی و بین‌المللی‌اش دست و پا می‌زند.

خامنه‌ای از کمترین تغییر یا گشایشی در جهت کاهش نارضایتی جامعه عاجز است.

تصمیم خامنه‌ای برای گماردن پاسداران جنایت‌پیشه‌اش در رأس دستگاه‌های مختلف از قبیل مجلس از سر قدرت نیست؛ بلکه از سر ضعف و انقباض و برای کنترل هر چه بیشتر این دستگاه‌ها است تا فروپاشند. مثل قاسم سلیمانی، جنازه برجام و دولت به اصطلاح اعتدالی روحانی که روی دست ولی‌فقیه مانده است.

ریزه‌خواران رژیم که دیر زمانی در رویای اصلاحات بودند، حالا در کابوس سرنگونی بسر می‌برند.

پیروان و مبلغان رژیم که به امید خاموش شدن جنبش اعتراضی بودند، مایوس و ناامید شده‌اند.

زنجیرهای توهمات «نمی‌شود و نمی‌توان» دیگر فرو ریخته است؛ ترس جبهه عوض کرده و حالا این آخوندها و پاسداران‌اند که به‌خود می‌لرزند.

ارزش‌ها و راه و رسم مجاهدین به‌ویژه فداکاری برای سرنگونی رژیم، راهنمای نسل قیام در کف خیابان‌هاست. همان مردمی که یکبار به قیام در ۲۰۰۰ شهر یک اتحاد عمل عالی از خود نشان دادند و همبستگی ملی را در میدان مبارزه برقرار کرده‌اند.

بله قیام‌های این سه سال تصویر درخشانی از نبردهای قطعی آینده ارائه کرده است؛ تصویری از نبردهای بنیان‌کن قیام‌کنندگان و ارتش بزرگ آزادی.

هموطنان عزیز!

تراژدی غم‌انگیز کرونا هفت‌ماه است که برمیهن ما سایه افکنده است. با محتاطانه‌ترین ارزیابی‌ها جان باختگان کرونا به یکصد هزار تن بالغ می‌شود.

خامنه‌ای و روحانی و باندهای مافیایی که برمیهن ما حکومت می‌کنند، حتی بخش ناچیزی از صدها میلیارد دلاری را که از سرمایه‌های مردم به سرقت برده‌اند، صرف مقابله با کرونا نمی‌کنند.

این ابعاد از جان باختگان کاملاً اجتناب‌پذیر بوده است.

برخی از کارگزاران رژیم می‌گویند، عملکردهای رژیم در کرونا یک سیاست اشتباه نیست در حکم قتل عمد است.

خامنه‌ای و روحانی با موجی از تلفات انسانی می‌خواهند درمقابل سرنگونی سد بینند.

اما این جنایت بزرگ بر خشم و انزجار توده‌های مردم می‌افزاید و انگیزش آنان برای سرنگونی این رژیم را دو چندان می‌کند.

رژیم حتی حقوق پرستاران و پزشکان و کادر درمانی را که شبانه روز بدون مرخصی جان خود و خانواده خود را برای نجات مبتلایان به خطر می‌اندازند، پرداخت نمی‌کند.

بگذارید در همین جا بار دیگر به همه آن‌ها و تلاش خستگی ناپذیرشان برای نجات بیماران درود بفرستیم و برای آن‌ها که در این تلاش مقدس جان باختند یک دقیقه کف بزنییم.

## کانون شورشی آتشزنه قیام

هم‌میهنان!

اسباب کار برای برافروختن شعله‌های جنبش و قیام بیش از همیشه آماده است. یعنی:

- شرایط جوشان و انقلابی جامعه و آگاهی مبارزاتی به‌خصوص در نسل جوان،

- ده‌ها شهر شورشی که بنا بر تجربه قیام‌های اخیر مستعد آزاد شدن از چنگال سپاه پاسداران‌اند،

- صدها هزار جوان رزم‌آور در شهرهای مختلف که آماده از خودگذشتگی‌اند،

- و یک ساز و کار رهایی‌بخش یعنی کانون شورشی که دیوار اختناق را می‌شکافد و آتشزنه قیام‌هاست. آری رژیم آخوندی بیش از همیشه در محاصره قیام و سرنگونیست.

باشد که مجاهدین خلق ایران، دست در دست خلق محبوب‌شان، رسالت و تعهد بزرگ تاریخی خود یعنی سرنگونی تمامیت رژیم حاکم و برقراری آزادی و حاکمیت مردم در ایران را به پیروزی برسانند.

امروز داستان بنیانگذاری سازمان رنج و فدای مجاهدان از روز اول تا امروز را شنیدید. تلاش‌های بی‌مانند و بی‌جایگزین مسعود رجوی را به‌طور خلاصه بازگو کردیم.

صداقت و فدای نسل مجاهدین را در همه دوران‌ها در میدان‌های نبرد در همه آزمایش‌ها و سرفصل‌ها یادآوری کردیم. به انقلاب درونی مجاهدین پرداخته شد.

به‌خصوص با صحبت‌های روشن‌گر خواهر عزیزم زهرا. اما راستی همه این تلاش‌ها، فداکاری‌ها، از خودگذشتگی‌ها و جانبازی‌ها برای چه بوده و هست؟ جز برای یک آرمان و هدف والا که همانا آزادی و رهایی مردم ایران از چنگال هرگونه ستم و استبداد و سرکوب و استثمار است؟

بنابراین مزده به مردم ایران که امروز تضمین رهایی آنها از چنگال این استبداد دینی و خونریز، همین سازمان است.

تضمین فردای سرنگونی و ایران آزاد فردا، تضمین بازگشت اعتماد به مردم ستمزده و تضمین آزادی و آبادی و رفاه و تندرستی برای آنها فقط و فقط از عهده چنین نیروی فداکار و منسجم و آگاه و صادقی برمی آید.

به شما این نوید را می‌دهم که اگرچه مردم ایران در رنج و سرکوب و شکنجه و اعدام و در تب و تاب بیماری و گرسنگی و فقر هستند اما پیشتازانی دارند از بهترین زنان و مردان و فرزندان این مردم و میهن که شب و روز ندارند تا بتوانند آزادی، برابری عدالت اجتماعی حاکمیت مردم و حق انتخاب آزادانه را برای آحاد مردم ایران از هر ملیت و هر مذهب برقرار کنند و سد محکمی باشند در مقابل همه جریان‌های ارتجاعی بنیادگرا و ضدتاریخ و پیشرفت و تکامل. و جامعه‌یی نو بسازند با معیارهای شایسته انسانی تا مردم ایران جایگاه حقیقی خود را در جهان و به‌ویژه خاورمیانه پیدا کنند و به آن ببالند.

این روز نزدیک است زیرا مردم ایران سازمان و گنجینه گران‌قدری دارند که بیش از ۵ دهه است در طوفان تلاطم‌ها و سختی‌ها و رنج‌ها از آرمان آزادی مردم ایران دست نکشیده و از عهده همه موانع و مشکلات بزرگ برآمده است.

پس قطعاً این تعهد بزرگ را هم به نتیجه خواهد رساند و برای آن بیش از همیشه حاضر و آماده است.

اجازه بدهید در این‌جا به‌طور خاص در رابطه با سازمان و تشکیلات مجاهدین از همه هواداران و اعضا و مسئولان سازمان در همه سطوح، قدردانی کنم.

از برادران مجاهدیم یعنی، نسلی از مردان شوریده برایدئولوژی جنسیت و فردیت که در این سالیان این مبارزه سهمگین را آگاهانه انتخاب کرده و به پیش برده‌اند. و الگوهای درخشانی برای نسل جوان و شورشگر ایران در امر برابری هستند.

از خواهرانم در شورای مرکزی که پیشتازان و سمبل‌های شورش و جنگاوری و مسئولیت‌پذیری و رهایی از غل و زنجیرهای بنده‌ساز هستند.

از همه مسئولان اول مجاهدین و هم‌ردیفان و معاونان مسئول اول در مقاطع مختلف، از فهیمه و شهرزاد و نسرين و ته‌مین، مژگان و صدیقه و زهره سپاسگذاری می‌کنم.

و هم‌چنین از خواهر عزیزم زهرا مریخی باید تقدیر کرد که به‌ویژه بعد از انتقال مجاهدین از عراق به آلبانی، با شکیبایی و درایت و توانمندی بسیار امور سازمان را به‌خصوص در دوران قیام با موفقیت حداکثر هدایت کرده است. مسعود از سال‌ها پیش او را سردار صبر و ظفر توصیف کرد.



و درود بر همه مجاهدان آزادی برای سرنگونی رژیم استبداد مذهبی که هرگز توقف نمی پذیرد و از پا نمی نشیند  
تا روز رهایی مردم ایران از چنگال دین فروشان خون آشام.

با تبریک مجدد به همه شما